کتاب

فاطمه شریفی

سیری در مجموعه «قصه‌های انقلاب برای بچه‌ها و نوجوانان» به قلم زنده‌یاد نادر ابراهیمی

انقلاب به روایت بچه‌ها

دهه فجر فرصتی است برای بازخوانی روایت‌هایی که انقلاب را از نگاه مردم عادی و به‌ویژه بچه‌ها بازگو می‌کنند. نادر ابراهیمی در مجموعه «قصه‌های انقلاب برای بچه‌ها و نوجوانان» تاریخ را از دل خاطرات واقعی بیرون می‌کشد و آن را در قالب قصه‌هایی ساده، صمیمی و تأثیرگذار به نسل جدید می‌سپارد.

دهه فجر یک واقعه تاریخی است؛ نقطه‌ای که امید، جسارت و اراده جمعی مردم ایران در آن به اوج رسید. با گذشت دهه‌ها از آن روز، یکی از مهم‌ترین پرسش‌های فرهنگی همچنان باقی است؛ چگونه می‌توان انقلاب اسلامی را برای نسل کودک و نوجوان روایت کرد؛ نسل‌هایی که نه آن روزها را دیدند و نه تجربه مستقیمی از فضای پرالتهاب انقلاب دارند؟

پاسخ به این پرسش را باید در ادبیاتی جست‌وجو کرد که تاریخ را از سطح گزارش و شعار فراتر می‌برد و آن را به تجربه‌ای انسانی و قابل لمس تبدیل می‌کند. مجموعه «قصه‌های انقلاب برای بچه‌ها و نوجوانان» نوشته زنده‌یاد نادر ابراهیمی، نمونه‌ای ماندگار از چنین رویکردی است.

نادر ابراهیمی این مجموعه را نه از پشت میز، بلکه از دل جامعه و از میان روایت‌های واقعی شکل داد.

او در اوج روزهای انقلاب، حدود ۲۰ ماجرا و خاطره را گردآوری کرد؛ ماجراهایی که در همه آنها، بچه‌ها نقشی اساسی و تعیین‌کننده داشتند. این روایت‌ها یا توسط کودکان و نوجوانان انقلابی از نقاط مختلف کشور برای او فرستاده شد، یا در جریان سفرهای متعددش به شهرها و مناطق گوناگون ایران به دست آمد. خود ابراهیمی در مقدمه مجموعه توضیح می‌دهد که این خاطرات در ابتدا به شکل گزارش‌های ساده ثبت شده بودند، اما او به‌خوبی می‌دانست که گزارش، برای مخاطب کودک و نوجوان کافی نیست. به همین دلیل آنها را «قصه» کرد؛ به روایت‌ها جان داد، شخصیت و فضا ساخت و تاریخ را به زبان داستان درآورد.

نخستین جلد از پنجگانه، در روزهای اوج انقلاب و با امکانات محدود آن دوران منتشر شد؛ کتاب‌هایی با جلد سفید که به‌اصطلاح «جلد سفید» نامیده می‌شدند، چراکه فرصتی برای طراحی و چاپ مفصل وجود نداشت. پس از انقلاب، چهار قصه دیگر نیز به این مجموعه افزوده شد و روایت ابراهیمی از انقلاب، کامل‌تر و چندصداتر شد. این پیشینه، شکل‌گیری به مجموعه «قصه‌های انقلاب» اصالتی ویژه می‌بخشد، چراکه ما با داستان‌هایی مواجهیم که تقریباً همزمان با وقوع حوادث نوشته شده‌اند و هنوز از حرارت و صداقت آن روزها لبریزند.

در کتاب «پدر چرا توی خانه مانده است»، انقلاب از زاویه نگاه یک نوجوان روایت می‌شود؛ نگاهی آمیخته به تردید، ترس و پرسش. هر شب یکی از مردان کوچه توسط مأموران رژیم پهلوی دستگیر می‌شود، اما پدر علی تنها کسی است که مأموران به سراغش نمی‌آیند. همین مسئله باعث می‌شود دوستان علی با او بازی نکنند و پدرش را خائن بدانند. داستان با ظرافت نشان می‌دهد که چگونه قضاوت‌های عجولانه و نگاه سطحی می‌تواند کودک را تحت فشار قرار دهد تا آنکه حقیقت آشکار و پدر علی نیز دستگیر می‌شود. داستانی که زاویه دید یک کودک در مواجهه با واقعه مهمی مانند انقلاب را به خوبی و با دقت بسیار ترسیم می‌کند.

کتاب «جای او خالی»، داستان نوجوانی ۱۳ ساله به نام منصور است؛ نوجوانی که بارها به اجبار در مراسم‌های حکومتی دوران شاه شرکت می‌کند و هر بار خسته‌تر و معترض‌تر بازمی‌گردد. منصور در دل خود به روزی می‌اندیشد که بتواند در برابر این همه ظلم بایستد. با آغاز انقلاب، این فرصت برای او و دوستانش فراهم می‌شود و آنها به صف مبارزان می‌پیوندند. پایان داستان با شهادت منصور در تظاهرات ۱۷ شهریور تصویری تلخ، اما پرشکوه از بهای آزادی ارائه می‌کند، تصویری که مخاطب نوجوان را با مفهوم فداکاری و انتخاب آشنا می‌کند.

در کتاب «سحرگاهان همافران اعدام می‌شوند»، نادر ابراهیمی به یکی از حساس‌ترین و کمتر روایت‌شده‌ترین بخش‌های انقلاب می‌پردازد. این قصه‌ها درباره همافرانی است که برخلاف ساختار بسته و فرمان‌محور نظامی، «فکر می‌کردند» و همین اندیشیدن، آنها را به اعتراض و ایستادگی واداشت. ابراهیمی در این کتاب از بیداری انسان سخن می‌گوید، انسانی که زیر بار زور و نادرستی نمی‌رود.

کتاب «برادرت را صدا کن»، روایتی تأثیرگذار از زاویه دید یک دختربچه جهرمی به روزهای انقلاب است. دختری که در تظاهرات همراه پدرش حضور دارد و شاهد مجروحیت شدید اوست. برادرش محمد، سرباز است و همین تضاد بر بار عاطفی داستان می‌افزاید. سال‌ها بعد، خاطره آن روز همچنان با اشک و اندوه در ذهن معصومه زنده است. این قصه، انقلاب را از منظر دریچه حافظه و احساس روایت می‌کند.

در کتاب «نیروی هوایی»، نثر موزون و شاعرانه نادر ابراهیمی با لحن ساده و کودکانه راوی نوجوان درهم می‌آمیزد. داستان به ماجرای حمله سربازان شاه به نیروی هوایی و مقاومت و فداکاری نیروهای مردمی می‌پردازد. روایت از زاویه دید پسری است که در پشت‌صحنه درگیری‌های خیابانی، با شجاعت تمام به مبارزان کمک می‌کند. این داستان شش ساعت جنگ خیابانی را به تصویر می‌کشد؛ شش ساعتی که به پیروزی مردم و نیروی هوایی می‌انجامد. تصویرگری‌های کتاب نیز با رویکردی واقع‌گرایانه، بر تأثیرگذاری روایت افزوده است.

مجموعه «قصه‌های انقلاب برای بچه‌ها و نوجوانان» که به همت انتشارات مهرک روانه بازار نشر شد است، چیزی فراتر از چند کتاب مناسبتی است. این آثار نشان می‌دهند که تاریخ، اگر با احترام به مخاطب و با زبان قصه روایت شود، می‌تواند زنده، اثرگذار و ماندگار باشد. در چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب، بازخوانی این مجموعه یادآور این نکته است که انقلاب اسلامی، نه فقط مجموعه‌ای از وقایع سیاسی، بلکه تجربه‌ای انسانی است که حتی کودکان و نوجوانان نیز در آن سهم داشته‌اند؛ سهمی که نادر ابراهیمی با صداقت و مهارت، آن را برای همیشه در قالب قصه ثبت کرده است.

تجسمی

الهام رادمهر

مرور آثار نقاشی چند هنرمند به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

واکاوی میراث بصری هنرمندان انقلاب

هنرهای تجسمی در طول تاریخ، همواره فراتر از یک ابزار تزئینی به عنوان کلیدی برای رمزگشایی از روح زمانه عمل کرده‌اند. در حالی که عکاسی و فیلمبرداری لحظات را با دقت مکانیکی ثبت می‌کنند، نقاشی رسالتی متفاوت برعهده دارد؛ این هنر نه تنها «آنچه رخ داده»، بلکه «آنچه حس شده» را نیز به تصویر می‌کشد. در تاریخ هنر جهان، ژانر «نقاشی تاریخی» جایگاهی ممتاز دارد، چراکه این آثار، بیانگر نبض فرهنگی و گفتمان‌های اجتماعی حاکم بر یک عصرند.

در مواجهه با هنر انقلاب اسلامی نباید صرفاً به پرسش «این اثر چه می‌گوید؟» بسنده کرد، بلکه پرسش بنیادی‌تر این است که «این اثر، چه تصویری از تحول روحی یک ملت را بازتاب می‌دهد؟» در چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب، بازخوانی آثار نقاشان انقلابی در واقع بازخوانی اسنادی است که نشان می‌دهد چگونه ایمان، اعتراض و حماسه در لایه‌های رنگ و بافت بوم پیکره یافتند.

زایش هنر اعتراضی در بطن مبارزه

رویدادهای بزرگ سیاسی و اجتماعی، همواره مهد تولد مکاتب هنری جدید بوده‌اند. انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نبود. هنرمندان دهه‌های ۵۰ و ۶۰ شمسی، نه در آتلیه‌های عافیت‌طلب، بلکه در متن خیابان و در هم‌صدایی با فریادهای مردم، قلم‌مو به دست گرفتند. این هنرمندان، مفهوم «شهادت» و «ایثار» را نه به عنوان مفاهیمی انتزاعی، بلکه به مثابه تجربه‌ای زیسته ترسیم کردند.

در سال‌های منتهی به ۱۳۵۷، جریانی از نقاشان پیشرو مانند حسین خسروجردی، حبیب‌الله صادقی و کاظم چلیپا، هنر را به سلاحی برای بیداری بدل کردند. جمع کوچکی که بعدها پایه‌گذار مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری و دانشگاه هنر شاهد و سوره شد. هنرمندانی چون حبیب‌الله صادقی که خود در تلاطم هفدهم شهریور حضور داشت، تجربه جراحت و حماسه را مستقیماً به بوم منتقل کردند. این آثار که امروزه در گنجینه حوزه هنری نگهداری می‌شوند، نباید تنها به عنوان اشیایی موزه‌ای دیده شوند. در واقع، این نقاشی‌ها «حافظه تصویری» یک ملت هستند. در روزگاری که هجمه‌های رسانه‌ای سعی در تحریف واقعیت‌های تاریخی دارند، این بوم‌ها به عنوان شاهدانی صادق ایستاده‌اند. آنها به ما یادآوری می‌کنند که انقلاب، نه یک اتفاق تصادفی، بلکه برآمده از یک جوشش عمیق فرهنگی و اعتقادی بود که حتی در فرم و رنگ نیز خود را متبلور ساخت. در ادامه، نگاهی دقیق‌تر به چند اثر کلیدی می‌اندازیم که هر یک پاره‌ای از پازل تاریخ معاصر ما هستند.

حبیب‌الله صادقی

اثر «فیضیه» (۱۳۵۵) را می‌توان یکی از نخستین جرقه‌های نقاشی انقلاب دانست. صادقی در دوران دانشجویی با جسارتی ستودنی، کنتراست شدید میان تیرگی آسمان و درخشش لکه‌های سرخ در میان جمعیت را برای القای التهاب آن روزها به کار گرفت.

او در آثار دیگرش نیز با استفاده از ترکیب‌بندی‌های دورانی و فیگورهای مسیح‌گونه، شهادت را از یک واقعه فیزیکی به یک عروج معنوی ارتقا داد. فضای غم‌بار و در عین حال حماسی آثار او، مخاطب را به سفری در عمق وجدان بیدار جامعه می‌برد.

مصطفی گودرزی

مصطفی گودرزی‌دیباج در سال ۱۳۶۵ تابلویی به شیوه رئالیسم آفرید که به رویداد ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و مبارزات مردمی و نقش زنان در مبارزات می‌پردازد. در این کار، پسربچه‌ای با چشمان مصمم و سربندی سبز دیده می‌شود که می‌تواند بازتاب کلام معروف امام خمینی(ره) درباره امید به کودکان دبستانی باشد. روشن‌ترین بخش‌های این اثر چهره امام، صورت مادر و قامت پسربچه است که به افقی سبز و روشن ختم می‌شود. در تابلوی «مقاومت» که اثر دیگری از مصطفی گودرزی دیباج در سال ۱۳۶۵ است، جوانی را مشاهده می‌کنیم که در دشتی پرگل، پابرهنه با سربندی قرمز و دستان خالی ایستاده، در حالی که فقط چند نارنجک به کمر بسته است. دشتی پر از گل که او بر آن استوار است، رو به جلو رنگ قرمز بیشتری می‌گیرد که نمادی از تمایل به شهادت است.

کاظم چلیپا

کاظم چلیپا درباره تابلوی ۱۷ شهریور می‌گوید: «نخستین تابلویی که پس از انقلاب ساختم، نقاشی ۱۷ شهریور و صحنه‌ای بود که جلوی چشمانم رخ داد». چلیپا با نگاهی دقیق و جزئی نگر از پوشش دختر انقلابی، شعارها و دیوار نوشته‌های زمان انقلاب و پیکرهای شهدا تابلویی ترسیم کرده است. در مرکز تابلو هم شاهد لحظه تیر خوردن و شهادت مردی مبارز هستیم.

چلیپا در نقاشی دیگری یکی از نمادین‌ترین لحظات انقلاب را به‌تصویر می‌کشد؛ لحظه پایین کشیدن مجسمه برنزی شاه و بالا بردن پیکر شهیدی که لختی پیش مورد اصابت گلوله قرار گرفته است. استفاده هوشمندانه از رنگ‌های سرخ و به تصویر کشیدن درگیری‌ها در عمق نقاشی، تماشای این اثر را برای هر مخاطبی لذت‌بخش می‌کند.

آنچه نقاشی‌های این دوران را از آثار صرفاً تبلیغاتی جدا می‌کند، «خلوص تکنیکی» و «صداقت عاطفی» آنهاست. هنرمندانی چون ناصر پلنگی در اثر «مرثیه» با بهره‌گیری از روان‌شناسی رنگ‌های‌سنتی ایرانی (سبز، سرخ، سیاه و سفید)، پلی میان هنر مدرن و ریشه‌های آیینی برقرار کردند.

هنر انقلاب؛ میراثی برای امروز

پرسش اساسی این است که میراث صادقی‌ها، چلیپاها و گودرزی‌ها در دهه پنجم انقلاب به کدام سو رفته است؟ آیا هنر انقلابی در همان سال‌های دفاع مقدس متوقف ماند یا توانست خود را با زبان نسل جدید بازآفرینی کند؟ نگاهی به وضعیت هنرهای تجسمی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که «روح انقلاب» در هنر، از کالبد صرفاً فیزیکی و کلاسیک خارج شده و به فرم‌های نوین راه یافته است. هنرمندان نسل سوم و چهارم انقلاب، امروز با همان دغدغه‌های عدالت‌خواهانه، اما با ابزارهایی متفاوت به میدان آمده‌اند. اگر روزگاری حبیب‌الله صادقی با رنگ روغن روی بوم، حماسه ۱۷ شهریور را ثبت می‌کرد، امروز هنرمندان جوان با بهره‌گیری از «هنر محیطی»، «گرافیتی» و «دیجیتال پینتینگ»، مفاهیم مقاومت و استکبارستیزی را به متن روزمره زندگی مردم آورده‌اند. دیوارنگاری‌های عظیم شهری که امروز در میادین اصلی تهران و دیگر کلان‌شهرها می‌بینیم، امتداد همان تفکری است که هنر را نه برای گالری‌های دربسته، بلکه برای تماشای عموم و بیداری جمعی می‌خواست. این هنرمندان جوان با حفظ اصالت نمادهایی چون «سربند»، «نور» و «رنگ‌های حماسی»، توانسته‌اند زبان بصری خود را برای مخاطبی که جنگ و انقلاب را ندیده، به‌روزرسانی کنند. علاوه بر این، در سال‌های اخیر شاهد پیوند میان هنر انقلابی و موضوعات بین‌المللی مقاومت (مانند مسئله فلسطین و مبارزه با تروریسم تکفیری) هستیم. این نشان‌دهنده آن است که «هنر انقلابی» از یک مرز جغرافیایی خاص فراتر رفته و به یک «زبان مشترک جهانی» برای تمام آزادیخواهان بدل شده است.

در واقع، میراث هنرمندان پیشرو انقلاب، تنها چند تابلوی ماندگار در گنجینه‌ها نیست، بلکه «جسارت در صحنه بودن» است؛ جسارتی که به هنرمند امروز می‌آموزد نباید در برابر حوادث جهان بی‌تفاوت بماند. امروز، هنر انقلابی با چالش‌های جدیدی چون فضای مجازی و جنگ‌های شناختی روبه‌روست. هنرمند معاصر انقلابی، در واقع مرزبان هویت ملی و مذهبی در اقیانوس تصاویر دیجیتال است. او یاد گرفته است که چگونه می‌توان تکنیک قوی را در خدمت محتوای متعالی قرار داد تا اثری خلق شود که نه تنها «تاریخ‌نگار»، بلکه «تاریخ‌ساز» باشد.

هنر انقلابی ایران، هنری است که از مردم آغاز شد و برای مردم باقی ماند. هنرمندانی که در این مسیر قلم زدند، نشان دادند که تعهد هنرمند به جامعه، نه تنها از ارزش زیباشناختی اثر نمی‌کاهد، بلکه به آن غنایی ابدی می‌بخشد. امروز، پس از ۴۷ سال، این قاب‌ها همچنان نفس می‌کشند و به ما می‌گویند که مسیر رسیدن به افق‌های سبز و روشن از میانه ایستادگی و ایمان می‌گذرد.

پلنگی اثر «مرثیه» را درباره شهادت و تشییع پیکر شهید با خطوط روان و در حرکت پیکر شهید و رنگ‌های غالب سبز، سرخ، سیاه و سفید نقاشی کرد که هر کدام این رنگ‌ها معنای نمادین در هنر ایرانی دارند. رنگ سرخ نماد شهادت، سبز نماد روحانیت، سفید نور الهی و سیاه نماد اندوه است.

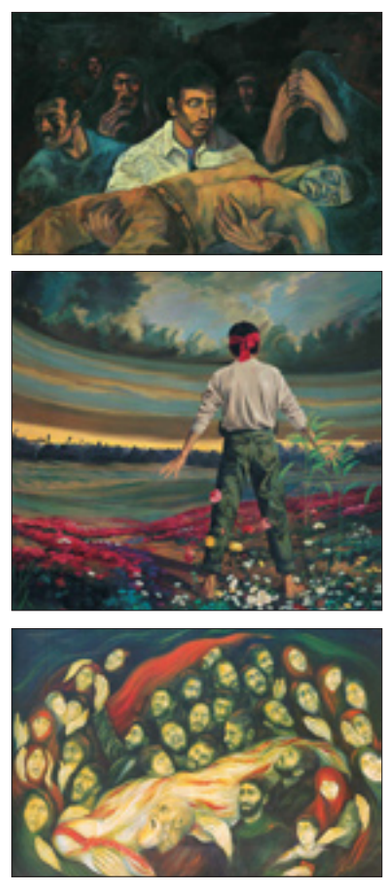

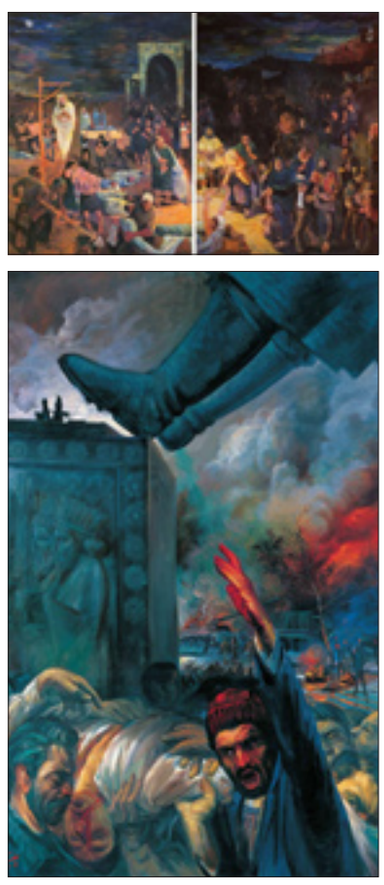

مستند

نگاهی به مستند «هویدا یک پرتره صوتی»

صداهایی که دولت هویدا را رسوا می‌کند

راضیه نجیبی

در آستانه چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران به سراغ مستند «هویدا، یک پرتره صوتی» از آخرین تولیدات مرکز مستند سوره رفته‌ایم، مستندی که به یکی از جنجالی‌ترین چهره‌های تاریخ معاصر کشور پرداخته است. این مستند با استفاده از روایت‌های دست‌اول و اسناد تاریخی، بی‌آنکه داعیه داوری داشته باشد، تلاش می‌کند تصویر واقع‌بینانه‌تری از وضعیت سیاسی و اجتماعی آن دوران ارائه دهد. در این یادداشت، سعی داریم به تحلیل این مستند بپردازیم که با تکیه بر صدای تاریخ، زندگی و کارنامه امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر پرحاشیه دوره پهلوی را بررسی می‌کند و در دل آن، تحلیلی عمیق از ساختار سیاسی آن دوره را می‌سازد.

مستند به عنوان یک سند تاریخی؛ نگاه بی‌طرفانه و مستند به گذشته

آنچه مستند «هویدا، یک پرتره صوتی» را از آثار مشابه متمایز می‌کند، تلاش بر بی‌طرفی و دوری از هرگونه جهت‌گیری است. محسن کریمیان، کارگردان مستند در تدوین و انتخاب روایت‌ها هیچ‌گونه قصد تحمیل دیدگاه شخصی را ندارد و تنها با کنار هم قرار دادن اسناد و روایت‌ها، فرصت قضاوت را به مخاطب می‌دهد. این رویکرد، به‌ویژه در شرایطی که برخی تلاش دارند تصویری ایده‌آل و بدون نقص از هویدا بسازند حائز اهمیت است.

مستند در مقابل این ادعاهای رایج که می‌گویند «در طول ۱۳ سال نخست‌وزیری هویدا، حتی یک خودکار بیک هم گران نشد»، پاسخی مستند و مستندگونه ارائه می‌دهد. اسناد و روایت‌هایی که در این فیلم گنجانده شده، نشان می‌دهد که چگونه هویدا، مانند بسیاری از دیگر مقامات آن دوره، با حضور طولانی در قدرت و بی‌توجهی به پیامدهای منفی آن، به تدریج در مسیر فساد و بحران‌های اقتصادی حرکت کرده است.

پرتره صوتی؛ یک شیوه خلاقانه برای روایت

این مستند با انتخاب فرم «پرتره صوتی» و بهره‌گیری از نوارهای ضبط‌شده نزدیکان دولت و دوستان هویدا، رویکردی متفاوت از آثار پیشین در پیش گرفته است. شیوه‌ای که کمتر در آثار مستند ایرانی به عنوان فرم اصلی استفاده می‌شود. محسن کریمیان برای طراحی روایت آن نزدیک به ۳ هزار دقیقه صوت که درباره امیرعباس هویدا بود را جمع‌آوری، دسته‌بندی و پالایش کرده است و در نهایت با بهره‌گیری از صوت‌ها و بدون اضافه کردن نریشن یا متن، روایت فیلم را شکل می‌دهد.

استفاده از صداهای واقعی اشخاص حقیقی، اعتبار پژوهشی اثر را افزایش داده و به مخاطب امکان می‌دهد با لحن و فضای گفتار نزدیکان هویدا ارتباط مستقیم برقرار کند. صداها به‌مثابه سند تاریخی عمل می‌کنند و روایت را از سطح بازسازی یا بازگویی صرف فراتر می‌برند. در کنار این، تصاویر طراحی‌شده بر اساس نوارها، ترکیبی تازه میان صوت و تصویر ایجاد کرده‌اند.

از سایه شاه تا بله‌قربان‌گویی؛ تصویری تازه از هویدا

مستند «هویدا، یک پرتره صوتی» در ابتدا، تماشاگر را با شخصیتی آشنا می‌کند که در طول سال‌ها، در مرکز قدرت قرار داشته، اما همواره در سایه شاه شناخته می‌شده است. کارگردان مستند با به‌کارگیری روایت‌های دست‌اول و اسناد تاریخی، به شکل ملموسی نشان می‌دهد که چگونه هویدا، نخست‌وزیر ایران در دوران پهلوی توانست با ویژگی‌هایی چون اطاعت‌پذیری بی‌چون و چرا، کارمندی منظم و مهارت در جلب رضایت شاه به یکی از بلندپایه‌ترین مقامات اجرایی کشور تبدیل شود. این مستند به بررسی رابطه پیچیده او با شاه می‌پردازد و به خوبی نشان می‌دهد که این ارتباط بر مبنای «بله‌قربان‌گویی» شکل گرفته بود؛ ویژگی که هم در تثبیت موقعیت سیاسی هویدا نقش داشت و هم بعدها سبب انتقادات گسترده‌ای شد.

فساد ساختاری و سوءاستفاده از قدرت؛ نگاه دقیق به دولت هویدا

یکی از بخش‌های برجسته مستند، تحلیل بی‌طرفانه و صریح از فساد ساختاری و اقتصادی در دولت هویداست. مستند با تکیه بر اسناد و شاهدان عینی، فضایی را به نمایش می‌گذارد که در آن فساد و رانت‌خواری از رده‌های میانه تا عالی‌رتبه‌ترین مقامات دولتی جریان داشت. مستند به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه دولت هویدا از نخست‌وزیر گرفته تا کارگزاران رده‌بالای حکومت در فضایی از سوءاستفاده و فساد اقتصادی فعالیت می‌کردند.

این رویکرد، ضمن آنکه به شفافیت در روایت واقعیت‌های تاریخی می‌پردازد، یادآور این نکته است که در آن دوران، منابع ملی به ابزاری برای تقویت پایه‌های قدرت تبدیل شده بود. این فساد ساختاری به شکلی بنیادی در فروپاشی اعتماد عمومی به رژیم پهلوی مؤثر واقع شد و به یکی از دلایل اصلی سقوط حکومت پهلوی تبدیل گردید.

از اعتراضات مردمی تا برکناری هویدا؛ نقطه عطف در تاریخ انقلاب

مستند به دقت به تظاهرات مردمی و اعتراضات عمومی علیه رژیم پهلوی اشاره می‌کند. در این بخش، کارگردان با استفاده از اسناد و مصاحبه‌های دست‌اول، روایت‌های ملموسی از فشارهای اجتماعی و سیاسی بر شاه ارائه می‌دهد که در نهایت به برکناری هویدا و صدور حکم دستگیری او منجر شد. این بخش مستند، شکاف‌های درونی در حکومت و تزلزل‌های موجود در رأس هرم قدرت را به‌خوبی نمایان می‌سازد.

این تزلزل قدرت و ظهور اعتراضات مردمی، نه تنها سبب برکناری هویدا شد، بلکه زمینه‌ساز بروز بحران‌های سیاسی و اجتماعی بود که در نهایت به فرار شاه و پیروزی انقلاب اسلامی منتهی شد.

دادگاه و محاکمه؛ بررسی دقیق روند عدالت در برابر هویدا

مستند در یکی از بخش‌های مهم خود به بازنمایی دادگاه هویدا می‌پردازد. این بخش یکی از نقاط قوت فیلم است که با استفاده از اسناد و تصاویر آرشیوی، فرایند محاکمه او را به‌صورت بی‌طرفانه و مستند به نمایش می‌گذارد. از آنجایی که مستند هیچ‌گونه تحلیل شخصی یا داوری در این خصوص اعمال نمی‌کند، این بخش به مخاطب اجازه می‌دهد تا خود، در مورد روند محاکمه و حکم صادره قضاوت کند.

یکی از نکات برجسته این بخش، استفاده از مصاحبه با مهندس بازرگان است که در آن، به تحلیل و ارزیابی شخصیتی هویدا پرداخته می‌شود. بازرگان، به عنوان یکی از شخصیت‌های اصلی انقلاب و فردی صاحب‌نظر در مسائل سیاسی، با رویکردی آرام و تحلیلی به بررسی نقش هویدا در تاریخ ایران پرداخته و تصویری متفاوت از او را به نمایش می‌گذارد.

مستند یا تاریخ‌نگاری؟

تماشای مستند «هویدا، یک پرتره صوتی»، بیشتر از آنکه تنها روایت زندگی یک فرد باشد به بازخوانی یک دوره بحرانی در تاریخ ایران پرداخته است. این دوره که در آن فساد دولتی، وابستگی مطلق به رأس هرم قدرت و بی‌توجهی به هشدارهای اجتماعی به ایجاد بحران‌ها و در نهایت سقوط رژیم پهلوی انجامید، در این مستند به‌خوبی به تصویر کشیده شده است.

هویدا، به‌عنوان یکی از کارگزاران اصلی این دوران، نقش مهمی در این تحولات داشت و بدون درک دقیق زمینه‌های تاریخی، تحلیل دقیق نقش او ممکن نیست. از این منظر، «هویدا؛ پرتره صوتی» صرفاً یک مستند نیست، بلکه یک سند تاریخی است که با نگاهی واقع‌بینانه و مستند می‌تواند درک ما را از تاریخ معاصر ایران عمیق‌تر و دقیق‌تر کند.